

پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی - پژوهشی)

شماره ۱ (پی‌درپی ۵)، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۵۵-۱۲۹

تحلیل سبکی طوطی‌نامه ضیاء نخشی

دکتر حمیدرضا فرضی^۱

چکیده

روش کار در این مقاله، بررسی سبکی براساس "دوره" است. در این تحقیق ویژگی‌های سبکی "طوطی‌نامه" تحت سه عنوان مختصات جمله‌ها، مختصات لفظی و مختصات ادبی - هنری بررسی شده و مشخص شده است که سبک آن، که از لحاظ سادگی قسمت‌های نقلی و خبری، یادآور نثرهای مرسل است، از لحاظ ویژگی‌های دیگر مانند استشهاد به آیات و احادیث و اشعار و امثله فارسی و عربی، آوردن اغراض شعری، معانی و اصطلاحات علمی و محسنات بدیعی شبیه نثرهای فنی است. کلیدواژه‌ها: طوطی‌نامه، تحلیل سبکی، سبک بینابین، مختصات جمل، مختصات لفظی، مختصات معنوی.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

تاریخ وصول: ۹۰/۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۳۰

مقدمه

خواجه ضیاء‌الدین نخشی از نویسندگان و شعرای معروف قرن هشتم است. وی اصلاً از مردم نخشب یا نسف (نزدیک سمرقند) بوده که در روزگار جوانی به هندوستان رفته و در شهر بداؤون سکنی گزیده است تا این‌که در سال ۷۵۱ ه.ق بدرود حیات گفت. ضیاء نخشی مردی زهدپیشه و صوفی‌مشرّب بوده در بعضی از آثار او نشانه‌هایی از افکار صوفیانه دیده می‌شود (رک. صفا، ۱۳۶۶، ج ۳/۲: ۱۲۹۳-۱۲۹۴) آثار او عبارتند از: ۱. سلک السلوک ۲. طوطی‌نامه ۳. کلیات و جزئیات (چهل ناموس یا ناموس اکبر) ۴. قصیده ربویّه ۵. داستان گلریز ۶. عشره مبشره ۷. لذت‌النساء (رک. همان: ۱۲۹۴-۱۲۹۶: ضیاء نخشی، ۱۳۷۲: ۱۶-۲۱).

ذبیح‌الله صفا در کتاب "تاریخ ادبیات در ایران" هنگام بحث درباره سبک نثر قرن هفتم و هشتم، نوع نثر آثار این دوره را سه شیوه ساده، مصنوع و موزون می‌داند و برای هر کدام نمونه‌هایی ذکر می‌کند (رک. صفا، ۱۳۶۶: ۱۱۵۴-۱۱۶۱) بنابراین می‌توان گفت که در قرن‌های هفتم و هشتم، نویسندگان، آثار خود را به یکی از این سه شیوه تألیف کرده‌اند. در این میان در نوشته‌های نویسندگان اواخر قرن هفتم و هشتم نوعی گرایش به سادگی دیده می‌شود. ملک‌الشعراى بهار این امر را نتیجه تربیت مغول‌ها می‌داند که از عبارت‌پردازی و تصنع و آراستگی کلام خوششان نمی‌آمد و با توجه به این‌که ذوق نویسندگان را محیط زندگی رهبری می‌کند - و در این محیط علاقه‌مندان نثر فنی کم‌تر از ادوار قدیم بوده‌اند - طبعاً ذوق نویسندگان به نثر ساده راغب‌تر افتاده است (رک. بهار، ۱۳۷۰، ج ۳: ۱۶۶-۱۶۸).

پیشینه تحقیق

علی‌رغم اهمیت و جایگاهی که طوطی‌نامه در میان آثار تمثیلی دارد نه تنها - تا

تحلیل سبکی طوطی‌نامه ضیاء نخشی • دکتر حمیدرضا فرضی • صص ۱۵۵-۱۲۹ □ ۱۳۱

کنون - کار مستقل و جامعی درباره سبک این کتاب نوشته نشده، بلکه در کتاب‌های سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات نیز آن‌طور که باید و شاید به این کتاب توجه نشده است، به گونه‌ای که گاهی حتی نامی از این کتاب برده نشده است. در "تاریخ ادبیات در ایران" ذبیح‌الله صفا تنها به نظر نویسنده کتاب - ضیاء نخشی - درباره سبک نوشته‌اش اکتفا کرده است. در کتاب‌های سبک‌شناسی بهار و سبک‌شناسی نثر شمیسا نیز به این کتاب اشاره‌ای نشده است، ملک‌الشعراى بهار در میان آثار قرن دهم به کتابی از محمد قادری اشاره کرده که اصلاح‌شده و تهذیب‌شده طوطی‌نامه ضیاء نخشی است و ربطی به اصل طوطی‌نامه تألیف قرن هشتم ندارد (رک. بهار، ۱۳۷۰: ۲۵۹). در کتاب "انواع نثر فارسی" در میان آثار نخشی به کتاب طوطی‌نامه اشاره شده و بدون اشاره به مختصات سبکی، توضیح مختصری درباره آن آمده (رک. رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۴۹۳) زرین‌کوب در کتاب "از گذشته ادبی ایران" اشاره‌ای کلی به سبک این کتاب کرده است (رک. زرین‌کوب، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

روش تحقیق

از مهم‌ترین و معروف‌ترین طبقه‌بندی سبک‌ها، طبقه‌بندی ارسطویی است که هفت نوع است: ۱. بر مبنای نام نویسنده و شاعر ۲. بر مبنای زمان و دوره ۳. بر مبنای نوع ادبی یا ویژگی‌های لفظی اثر ۴. بر اساس موضوع علمی ۵. بر مبنای محیط جغرافیایی ۶. بر اساس نوع مخاطبان ۷. بر اساس هدف و نیت نویسنده (رک. فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۶۵۵-۶۵۶؛ غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۱۴) علاوه بر این، شمیسا معتقد است که واژه "سبک" در سه مفهوم به کار می‌رود: ۱. سبک شخصی: یعنی سبک خاص یک شاعر یا نویسنده که اثر او را از هر اثر دیگری متمایز می‌کند. ۲. سبک دوره: یعنی سبک کم و بیش مشترک و شبیه آثار یک دوره خاص ۳. سبک ادبی (رک. شمیسا ۱۳۷۲: ۶۹-۷۰؛ همان، ۱۳۷۴: ۹-۱۰) چنان‌که

۱۳۲ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی - پژوهشی)، سال دوم، شماره ۱ (پیدری ۵)، پاییز ۱۳۹۰

ملاحظه می‌شود در هر دو دیدگاه یکی از موارد مشترک طبقه‌بندی سبک‌ها بر مبنای "دوره" است، در این مقاله نیز، سبک نثر طوطی‌نامه از دیدگاه "سبک دوره" مورد بررسی قرار گرفته است، زیرا ویژگی‌هایی که در نثر طوطی‌نامه وجود دارد کم و بیش در سایر کتاب‌هایی که در این دوره و مخصوصاً در این موضوع نوشته شده، دیده می‌شود. در این تحقیق، تحلیل سبک‌شناسی طوطی‌نامه تحت سه عنوان صورت خواهد گرفت: الف) مختصات جمله‌ها، ب) مختصات لفظی، پ) مختصات ادبی - هنری؛ تا نهایتاً به این سؤال پاسخ داده شود که سبک و سیاق نوشتاری ضیاء نخشی چگونه است.

بررسی ویژگی‌های سبکی طوطی‌نامه

نویسنده طوطی‌نامه در آغاز کتاب، درباره انگیزه تألیف، مطالبی آورده که بیانگر دیدگاه ادبی و سبکی اوست. به طور خلاصه «ضیاء نخشی می‌گوید: دانشمندی پیش از او آن [طوطی‌نامه] را به پارسی مصنوع متکلفی درآورده بود و عبارات او چنان دشوار بود که خواص هم از آن بهره‌مند نمی‌توانستند شد و یکی از بزرگان زمان، نخشی را مأمور کرد که آن را کوتاه‌تر و پیراسته‌تر سازد و او بعد از آرایش و پیرایش و اصلاح و تهذیب و انتخاب، مجموعاً پنجاه‌ودو داستان را برگزیده و به ابیات و اشعار آراست و طوطی‌نامه نخشی از این راه پدید آمد» (صفا، ۱۳۶۶. ج ۳/۲: ۱۲۹۴) از ایرادات "نخشی" بر مؤلف قبلی طوطی‌نامه، اطالت کلام اوست بنابراین می‌کوشد تا بر میانه‌روی در این مورد تأکید کند وی می‌نویسد: «بلاغت در کلام آن است که کلام مطوّل گردانند نه آن چنان بی‌تکلف که خواص آن را نخوانند و نه آن چنان با تکلف که عوام آن را نشنوند بلکه امری که خیرالامور است اختیار کرده شد» (ضیاء نخشی، ۱۳۷۲: ۴).

سبک طوطی‌نامه نه کاملاً فنی است و نه کاملاً ساده، بلکه "بینابین" است که هم ویژگی‌های نثر فنی در آن وجود دارد و هم نشانه‌های سادگی و خبری بودن کلام در

تحلیل سبکی طوطی نامه ضیاء نخشی • دکتر حمیدرضا فرضی • صص ۱۵۵-۱۲۹ □ ۱۳۳

قسمت‌هایی از آن دیده می‌شود. زرین کوب درباره نوع نثر طوطی نامه می‌نویسد: نخشی «در شیوه نثر، طرز بیان کلیله و دمنه نصرالله منشی را سرمشق می‌سازد و با وجود اشتغال بر صنعت، بیانی ساده و جذاب دارد» (زرین کوب، ۱۳۸۵: ۱۱۶).

اصل طوطی نامه در زبان سانسکریت به نام "هفتادطوطی" است و قبل از ضیاء نخشی، نویسنده‌ای به نام "عماد بن محمد" از آن ترجمه‌ای منقح به پارسی متکلف و مصنوع ترتیب داده بود که "جواهر الاسمار" نام دارد. تحریر نخشی تهذیب و انتخابی از آن ترجمه است که سعی کرده آن را تا حد ممکن ساده و مطبوع سازد (رک. همان) در روایت "جواهر الاسمار" بعضی شب‌ها بیش از یک حکایت حتی گاهی تا چهار حکایت را در بر می‌گیرد در حالی که، در طوطی نامه هر شب فقط یک حکایت دارد. طوطی نامه داستان زنی است که شوهرش به سفر می‌رود و زن در غیبت وی به عشق جوانی دل می‌سپارد و هر شب آهنگ دیدار او می‌کند. زن برای رفتن، با طوطی - که در خانه همدم اوست و شوهرش او را به حرف شنوی از آن پرندۀ زیرک و باهوش سفارش کرده - مشورت می‌کند و طوطی هر شب تا سحرگاه با گفتن قصه‌ای او را سرگرم می‌کند و تا روز بازگشت شوهر، زن را از رفتن به خانه معشوق باز می‌دارد. این قصه‌ها پنجاه و دو شب ادامه می‌یابد تا شوهر از سفر برمی‌گردد و طوطی حقیقت حال را می‌گوید و او زنش را می‌کشد.

تحریر طوطی نامه در سال ۷۳۰ ه.ق پایان یافته چنان‌که نویسنده می‌گوید:

«ز هجرت هفتصدوسی بود آن شب که این افسانه‌ها کردم مرتب
زهی افسانه کز پی خواب گفتن مرا قصدی از آن باشد نخفتن
ضیاء نخشی افسانه‌ها گفت وز آن افسانه‌ها در خواب خوش خفت»
(ضیاء نخشی، ۱۳۷۲: ۴۳۷-۴۳۸)

الف) مختصات جمل

الف - ۱) همان‌طور که در سطور پیشین آمد نویسنده کتاب، گرایش و علاقه زیادی به سادگی عبارات دارد و خودش به این مسأله اذعان می‌کند. بیش‌تر قسمت‌های طوطی‌نامه نقلی و خبری است. در این قسمت‌ها جمله‌ها کوتاه هستند و از سادگی برخوردارند جز این‌که جمله‌ها و کلمات مترادف آورده می‌شود و مفردات عربی نسبتاً زیادی نسبت به نثر مرسل به کار می‌رود و ضمناً تا حدودی از تکرار مبراست، مانند نمونه زیر:

«شاهزاده را به حضرت پادشاه بردند. هر چند که خواستند سخن بگویند او اصلاً سخن نگفت. پادشاه گفت ما را چنان مصور و مقرر بود که او از حکیم علم و ادب خواهد آموخت. او خود اندک، بسیار سخن که می‌گفت، آن هم فراموش کرد. وزرا و ندما گفتند باشد که او را از جمع رجال شرم آید. او را در سرای حرم باید فرستاد مگر در سخن آید. در حرم پادشاه کنیزکی بود، سال‌ها باز شیفته روی او بود. با پادشاه گفت من او را دایگی بسیار کرده‌ام و او با من الفتی دارد اگر فرمان پادشاه باشد من او را در منزل خود برم و استکشاف مزاج او کنم» (همان: ۷۲-۷۳).

چنان‌که ملاحظه می‌شود سبک عبارات طوطی‌نامه بسیار ساده است و جز چند مورد لغات عربی و برخی مترادفات، بقیه مانند آثار نثر مرسل است، مخصوصاً کوتاهی جملات و حتی مختصات زبانی. نظیر این قسمت‌ها در طوطی‌نامه خیلی زیاد است و یکی از دلایل جدّابیت و شیرینی این کتاب که از مختصات اصلی آن است به شمار می‌رود، همین امر است.

الف - ۲) در نثرهای فتی در مقابل گزاره‌ها و عبارات نقلی و خبری، عبارات و قطعات فتی قرار می‌گیرد؛ یعنی قسمت‌هایی که در آن‌ها سادگی و ایجاز جای خود را به دشواری و اطناب می‌دهد، چنین قسمت‌هایی در طوطی‌نامه اندک است. علاوه بر آن طول این

قسمت‌ها نیز در مقایسه با متون فنی دیگر، کم‌تر و کوتاه‌تر است. در نمونه زیر که مثالی برای این مورد است نویسنده از کنایه، تشخیص، تناسب، جناس، سجع، قرینه‌سازی، اعنات قرینه و... بهره جسته و عبارت را با اطناب بیان کرده است:

«طوطیان در مصیبت او جامه در نیل زدند، بلبلان در عزای او لباس سیاه گردانیدند. هدهد تاج از سر بینداخت، دراج دواج از بر دور کرد، خروس خروش کردن گرفت، قمری نوحه بنیاد نهاد. این خبر به اهل گلزار و سگان مرغزار رسید، شاخ نارون خشک شد، سرو پای در گل ماند. گل جامه بدرید، غنچه تنگدل شد. سبزه جامه در نیل زده، بنفشه لباس کیود کرد. سمن را رخساره زرد شد. لاله روی خون‌آلوده گشت» (همان: ۱۴).

اما هم‌چنان‌که بیان شد نظیر این قسمت‌ها در طوطی‌نامه کم است.

الف - ۳) مانند نثرهای فنی، در این کتاب نیز در موارد بسیاری بین مبتدا و خبر فاصله می‌افتد و عبارت طولانی می‌شود و جملات معترضه‌ای که معمولاً برای توصیف می‌آیند رشته سخن را از هم می‌گسلد مانند نمونه زیر:

«چنین گویند در شهری میان زرگری و نجاری محبتی بود - محبتی که چون فرقدان تصور انفکاک آن نداشتندی - همه روز یک‌جا بودندی و همه شب یک‌جا غنودندی. هر که در مودت ایشان نظر کردی ایشان را دو برادر پنداشتی و هر که در محبت ایشان چشم افکندی ایشان را دو قرابت انگاشتی. قرابة الوداد خیر من قرابة الاولاد. قطعه:

نخشی یار خوش کجا یابند؟ خدمت یار کن ولی از ود
اهل تحقیق خود چنین گویند - یار نیکو به از قرابت بد -
وقتی زرگر جانبی مسافر شد...»

(همان: ۲۸)

چنان‌که ملاحظه می‌شود عبارات بین دو خط فاصله (-) میان مبتدا "در شهری میان زرگری و نجاری محبتی بود که..." و خبر "وقتی زرگر جانبی مسافر شد" فاصله زیادی

۱۳۶ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی - پژوهشی)، سال دوم، شماره ۱ (پیاپی ۵)، پاییز ۱۳۹۰

انداخته است و باعث از هم گسیختگی رشته سخن شده است. نظیر این موارد در طوطی‌نامه زیاد است.

الف - ۴) با توجه به این‌که طوطی‌نامه از لحاظ موضوعی تمثیلی است و جنبه تعلیمی و تربیتی دارد، نویسنده هر جا فرصتی به دست آورده جملات قصاری آورده که می‌تواند به عنوان مثل و حکمت به کار رود که البته این ویژگی نیز در متون نثر فنی سابقه دارد (رک. خطیبی، ۱۳۷۵: ۵۱۶) مانند نمونه‌های زیر:

«مرد تا از شهر بیرون نرود قدر او ندانند و دُرّ تا از صدف بیرون نیاید قیمت او نشناسند» (ضیاء نخشی، ۱۳۷۲: ۲۳۳).

«لقمه تا بر ندارند در دهن نرود و شیر تا بر نخیزد به نخجیر نرسد» (همان: ۲۳۵).
«هر که صبح نیکی می‌کند شام جزا می‌یابد و هر که شام بدی می‌کند صبح سزا می‌بیند» (همان: ۲۷۱).

«وفای عهد علامت احرار است و نقض عهد امارت اشرار است» (همان: ۲۸۷).

«باغ بی باغبان نعمتی است و خزانه بی پاسبان دولتی» (همان: ۲۹۵).

«بیگانه که دولت روی بود بهتر از خویشی که دشمن خوی بود» (همان: ۳۰۸).

الف - ۵) از برجسته‌ترین ویژگی‌های طوطی‌نامه آوردن جمله‌های مترادف است که در همه قسمت‌های کتاب حتی در بخش‌های نقلی و خبری دیده می‌شود. در جمله‌های مترادف، معمولاً قرینه‌سازی و سجع و موازنه رعایت می‌شود. با این‌که جمله‌های مترادف در طوطی‌نامه زیاد است، اما اغلب پشت سر هم نیستند و به‌ندرت جملات مترادف در یک عبارت پشت سر هم آمده‌اند؛ مانند نمونه‌های زیر:

«اگر با کسی ایام مسامحت کند و اوقات مساعدت نماید آن را مملکت بی بدل باید پنداشت و سلطنت بی عوض باید شمرد که تیر از کمان جسته و وقت از دست‌رفته را قابلیت عود نیست و صلاحیت ردّ نباشد» (همان: ۳).

تحلیل سبکی طوطی نامه ضیاء نخشی • دکتر حمیدرضا فرضی • صص ۱۵۵-۱۲۹ □ ۱۳۷

«از این امتزاج عاقبت تو را آفتی مشاهده شود و از این ازدواج البتّه تو را عاهتی معاینه گردد» (همان: ۴۶).

«هیچ دارویی سود نمی‌کرد و هیچ مرهمی نافع نمی‌آمد» (همان: ۴۷).
«نباید که این اختلاط سبب وبال شما شود و این انبساط موجب نکال شما گردد» (همان).

چنان‌که ملاحظه می‌شود در بیش‌تر موارد جمله دوم میل به اطناب کرده است. جمله‌های مترادف در طوطی‌نامه آن‌قدر زیاد است که کم‌تر صفحه‌ای می‌توان پیدا کرد که این‌گونه عبارات و جملات در آن نباشد.

الف - ۶) گاهی در نثر طوطی‌نامه جملات به صورت متوالی به هم عطف می‌شوند؛ مانند نمونه زیر:

«اصطلاح نبض و دلیل را نیکو دانم و تقدّمه المعرفه امراض را به صواب کنم و امزاج استحالت یافته را به اعتدال برم و ماده فاسدگشته را به اصلاح آرم و حرقات تب برسام و سرسام را به شربتی از اشربه خود فرو نشانم و از چهار طبع و پنج حسّ، شانزده نوع سوء المزاج به نظری از نظرهای خود دفع کنم و در اجساد بدیع حیوانی آثار و طبایع مفرده و ارکان مزدوجه و جواهر تسعه و طبقات عشریه مشاهده کرده‌ام است و در هیاکل شریف انسانی انوار قوّت متحرّکه و شوکت مدرکه و بدایع جبلی و روایع نظری معاینه دیده‌ام...» (همان: ۴۹).

در این عبارت، علاوه بر عطف متوالی جملات، عطف مفردات و ترکیبات نیز وجود دارد.

الف - ۷) بر خلاف نثر مرسل که روابط و افعال تکرار می‌شوند در طوطی‌نامه مانند نثرهای فنی روابط و افعال مشترک یا حذف می‌شوند یا مترادف آن‌ها به کار می‌رود. در حذف به قرینه نیز معمولاً قرینه دوم حذف می‌شود؛ مانند نمونه زیر:

۱۳۸ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی - پژوهشی)، سال دوم، شماره ۱ (بی‌درپی ۵)، پاییز ۱۳۹۰

«اگر چه سفر دریا مریح است و تجارت دریا نافع، اما حوادث در او غالب است و وقایع در او جالب، از بی‌درمی خود را در موضع تهلکه نباید داشت و از بهر دیناری خود را در توا و تلف نباید افکند» (همان: ۱۰).

«اخلاص غیبت سبب افزونی محبت بود و موجب زیادتی قربت باشد چنان‌که آن مرد یتاقی را اخلاص غیبت او موجب افزونی مرحمت شد و سبب قربت پادشاه طبرستان گشت» (همان: ۲۰).

«مدت حیات او سپری شده است و مهلت بقاء او منقضی گشته» (همان: ۲۳).

«بنا بر آن که وفای طالب چون جفای مطلوب بی‌پایان باید و محبت محب چون حسن محبوب بی‌کران» (همان: ۴۵).

«نمی‌دانم محبت او با تو چون سایه همیشه خواهد ماند یا چون سایه ابر یک ساعت، و مودت او با تو چون محبت بالغان علی‌الدوام خواهد بود یا چون هوس کودکان یک شب» (همان). هم‌چنان‌که در مثال‌های فوق ملاحظه می‌شود روابط و افعال یا به قرینه لفظی حذف شده یا مانند نمونه دوم مترادف آن‌ها به کار رفته است.

ب) مختصات لفظی

ب - ۱) مناسبات و مترادفات لفظی:

ضیاء نخسبی در گزینش الفاظ و ترکیبات، مانند نویسندگان نثر فنی، می‌کوشد تا در توصیفات، الفاظ و ترکیبات متجانس را از لحاظ لفظی و معنوی به کار گیرد تا توجه خواننده را به مناسبات لفظی و معنوی کلمات و کیفیت گزینش و استقرار آن‌ها در عبارات جلب کند؛ این مسأله باعث می‌شود قرینه یا قرینه‌های لفظی در برابر هم قرار بگیرد و قطعات متقارن و متقابل مانند ابیات در شعر شکل یابد. تناسب الفاظ برای نویسنده طوطی‌نامه آن قدر مهم است که در بسیاری از حکایت‌ها سعی می‌کند تا توصیفات با

عنوان داستان هم‌خوانی داشته باشد. مترادفات لغوی نیز در این کتاب زیاد به کار رفته است و در آن‌ها علاوه بر تناسب معنا به تناسبات لفظی نیز توجه شده است؛ این رعایت مناسبات لفظی - که هر کلمه‌ای، کلمه متناسب با خودش را به دنبال دارد - و آوردن مترادفات باعث اطناب در کلام می‌شود که البته در این مورد در مقایسه با کتاب‌های نثر فنی زیاده‌روی نشده است.

بر خلاف نثرهای فنی که لغات دور از فهم و نامأنوس عربی را زیاد به کار می‌بردند در این کتاب لغات عربی، رایج و معمول‌اند و خواننده فارسی‌زبان با آن‌ها آشناست. اگر کلمه‌ای نامأنوس بنماید یا به خاطر تغییری است که نویسنده در کلمات ایجاد می‌کند و آن را در باب‌ها و صیغه‌هایی به کار می‌گیرد که معمول و مأنوس نیست و یا خود واژه در زبان فارسی کاربرد ندارد که البته چنین مواردی اندک است. کلماتی مانند: "اندمال"، "انزهاق"، "انسکاب"، "انوئیت"، "اوجاع"، "اوجال"، "ایاس"، "بالیه"، "بلبال"، "بلبله"، "تحلل"، "تخالج"، "تغضب"، "تقلقل"، "تلجئه"، "تلملم" و "توا" نمونه‌هایی از این مقوله هستند. در کنار این‌ها، نویسنده از برخی واژه‌های فارسی و به ندرت ترکی و عربی که قدیم می‌نمایند و کاربرد خاص دارند، استفاده کرده است از قبیل: "هفتده"، "هشتده"، "کمینه"، "بارگیرگ"، "پای‌افزار"، "دوچار"، "خداونده"، "یتاقي"، "ترغاق"، "یگان"، "دوگان"، "دست‌انبو"، "نفران"، "کوتوال"، "پیشوا"، "سنه"، "بهت"، "مندل"، "دانائیکی"، "شکرانه"، "کروه"، "هرهمه"، "تنبول"، "تلخه"، "پرکاله"، "پیخال"، "یغنی"، "کنانم"، "شمیدم"، "کریرخانه"، "اشکره" و "چیزی".

درست است که در این کتاب به تناسبات لفظی توجه شده است، اما این طور نبوده که معنی فدای لفظ بشود و لفظ، معنی را به دنبال خودش بکشد در نثر ضیاء نخشی با ارسال و اطلاق معنی مواجه هستیم که جز در موارد محدود به خصوص مطلع و مقطع حکایت‌ها عمده توجه نویسنده به نقل داستان و اخبار است نه آراستگی کلام.

ب - ۲) اطناب:

از مختصات نثر فنی که در طوطی‌نامه کمابیش مشاهده می‌شود تفصیل و اطناب کلام است. الفاظ و قرائن زیادی که نویسنده برای شرح و بسط کلام می‌آورد، باعث می‌شود که معانی جدید برای کلمات ایجاد شود. آوردن الفاظ و کلمات متناسب در طوطی‌نامه همواره در خدمت معنا است و این موارد موجب گسیختگی معنوی نمی‌شود. «در این روش نویسندگان برای آوردن عبارات طویل و آرایش سخن، به آوردن تشبیهات و استعارات و کنایات می‌پردازند و گاهی برای اثبات مطالب و معانی با قرینه‌کاری در لفظ و جمله به آیات و احادیث و اخبار و امثال و اشعار عرب استشهد می‌کنند» (میرفخرایی، ۱۳۸۶: ۵۶) چنین ویژگی‌هایی با رعایت اعتدال در طوطی‌نامه نیز وجود دارد.

از دیگر موارد اطناب، تخیل و مضمون‌سازی، توصیف، درج تغزل و تشبیب شعری در نثر و وارد کردن اصطلاحات و مضامین علمی است که در طوطی‌نامه نیز از آن‌ها استفاده شده است. به طور کلی می‌توان گفت که اطناب در طوطی‌نامه همراه با اعتدال به کار رفته و مملّ نیست.

ب - ۳) تناسب الفاظ:

با توجه به این‌که هدف عمده نویسندگان نثر فنی هنرنمایی در آرایش کلام است و به لفظ بیش‌تر از معنی توجه دارند، نثرشان «نثری است شعروار که مخیّل است و زبان تصویری دارد و سرشار از صنایع ادبی است. در یک کلام، نثر فنی نثری است که با شعر یک قدم بیش‌تر فاصله ندارد» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۷۶).

نویسنده طوطی‌نامه - مخصوصاً در توصیفات - به تناسب الفاظ از لحاظ لفظی و معنوی توجه دارد و با قرینه‌سازی‌ها، آوردن مترادفات، سجع و موازنه، تناسب، جناس و

تحلیل سبکی طوطی نامه ضیاء نخشی • دکتر حمیدرضا فرضی • صص ۱۵۵-۱۲۹ □ ۱۴۱

تضاد سعی می‌کند قدرت نویسندگی خود را در تناسب کامل الفاظ با یکدیگر نشان بدهد؛ او در این باب، راه افراط را نمی‌پیماید.

ب - ۴) صنایع و محسنات بدیعی:

در ادب قدیم فارسی رعایت تناسب الفاظ ایجاب می‌کرد که نویسنده از صنایع و محسنات بدیعی برای آرایش کلام بهره‌گیرد؛ نویسنده طوطی نامه نیز از این قاعده مستثنی نیست و از برخی صناعات ادبی مانند سجع، جناس، موازنه، اعنات القرینه، مراعات النظیر و تضاد برای آراستگی کلام بهره گرفته است (برای نمونه می‌توان مثال‌های قبلی را از نظر گذراند).

ب - ۴ - ۱) سجع:

از صناعات ادبی است که در طوطی نامه زیاد به کار رفته است؛ نویسنده عمدتاً در قطعات فنی و توصیفات از سجع بهره گرفته است. در بیش تر موارد سجع‌های او از دو قرینه فراتر نمی‌رود ولی گاهی سجع‌های پی‌درپی نیز می‌آورد:

ب - ۴ - ۱ - ۱) سجع متوازی: «نتیجه مشاورت عقلا همه صلاح بود و ثمره استصواب بلغا همه فلاح» (ضیاء نخشی، ۱۳۷۲: ۱۱).

ب - ۴ - ۱ - ۲) سجع مطرف: «تفحص کنم که این چه راز است و تجسس نمایم که این چه آواز» (همان: ۲۳).

ب - ۴ - ۱ - ۳) سجع متوازن: «طالب چندین گاهه به مطلوب رسید و قاصد چندین ماهه به مقصود پیوست» (همان: ۱۶).

بیش‌ترین نوع سجع که در طوطی نامه به کار رفته "سجع متوازی" است. هم‌چنان که گفته شد نویسنده گاهی سجع‌های پی‌درپی می‌آورد، مانند:

«دینار چیست؟ بند داشته ذلیلان، کور کرده بخیلان، پای بند بنی آدم، دست مال همه»

۱۴۲ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی - پژوهشی)، سال دوم، شماره ۱ (پیاپی ۵)، پاییز ۱۳۹۰

عالم، سرمایه همه علائق، سرزنش یافته همه خلائق، زده جهانیان و مضروب عالمیان»
(همان: ۱۰).

ب - ۴ - ۲) جناس:

جناس از دیگر صناعات ادبی است که در طوطی‌نامه به کار رفته، اما بسامد آن از سجع و ازدواج و موازنه کم‌تر است. در میان انواع جناس به کار رفته در این کتاب، بسامد "جناس مضارع" از بقیه بیش‌تر است. موارد زیر نمونه‌هایی از کاربرد جناس می‌باشد:

ب - ۴ - ۲ - ۱) جناس ناقص: «اگر چه من مشتى پَرَم اما از همه علمى پُرم» (همان: ۸).

ب - ۴ - ۲ - ۲) جناس زاید: «نه لیل فراق را صباحی ست و نه شام اشتیاق را

مصباحی» (همان: ۳۵).

ب - ۴ - ۲ - ۳) جناس لاحق: «در ایام خالیه و قرون بالیه» (همان: ۷).

ب - ۴ - ۲ - ۴) جناس مضارع: «یرقان عشق، دیده مرا زرد کرد و غلبه شوق، باطن

مرا در درد افکند» (همان: ۲۷).

ب - ۴ - ۲ - ۵) جناس مطرف: «خروس خروش کردن گرفت» (همان: ۱۴).

ب - ۴ - ۳) موازنه و ترصیع: با توجه به این‌که موازنه و ترصیع نقش زیادی در

آهنگین کردن کلام و تناسب بین الفاظ دارد، نویسنده طوطی‌نامه از این صناعات بسیار

بهره جسته است و در جملاتی که مترادف هم می‌آیند به نوعی در آن‌ها موازنه و گاهی

ترصیع نیز دیده می‌شود؛ مانند:

«دیده پر خون از وصال محبوب روشن گردانم و سینه محزون از اتصال مطلوب گلشن

کنم» (همان: ۳۵).

«مرا از غم تو سینه در التهاب است و دیده در انسکاب» (همان).

ب - ۴ - ۴) ازدواج:

نام‌های دیگر صنعت "ازدواج"، "اعنات قرینه و تضمین مزدوج" است و کاربرد زیادی

در طوطی نامه دارد؛ مانند:

«تو هر شب به لطایف و ظرایف من فریفته می شوی و به حکایت و درایت من مشغول می گردی» (همان).

ب - ۴ - ۵) اشتقاق:

از صناعاتی است که برای آراستگی کلام و تناسبیات لفظی از آن زیاد استفاده می شود؛ نویسنده طوطی نامه از این صنعت نیز بهره گرفته است، مانند:

«خوش وقت کسی که او را هنر دهند و غرور ندهند و فضل بخشند و فضولی نبخشند» (همان: ۲۲).

ب - ۴ - ۶) مراعات النظیر:

از صناعاتی است که بیش تر برای تناسب معنوی بین الفاظ به کار می رود و نویسندگان و شاعران از آن بهره زیاد می گیرند. این صنعت در طوطی نامه زیاد به کار رفته است مانند:

«گفت: آتش بلیه و بلبال فراق در کانون سینه من شعله زده و نایره اوجاع و اوجال اشتیاق از کوره بطانه من سر بر کرده» (همان: ۱۹).

ب - ۴ - ۷) تضاد:

نویسنده طوطی نامه از تضاد نیز برای آرایش کلام بهره گرفته است؛ مانند:

«نخواستی که باد مخالف بدان موافق بوزد» (همان: ۳۶).

ب - ۵) استفاده از آیات و احادیث:

«یکی از مختصات نثر فنی وارد کردن آیات و احادیث در ضمن کلام است. نویسندگان قرن هفتم و هشتم به پیروی از آثار قرن ششم علاوه بر آوردن لغات عربی بی شمار و آرایش سخن به موازات و محسنات بدیع به عناوین مختلف به آیات قرآنی و احادیث، استشهاد کرده اند چنان که گاهی مقصود ایشان در این مورد استدلال محض و گاه شرح و تبیین مطلب و زمانی هم استفاده از سجع و خوش آهنگ کردن کلمات بوده است»

۱۴۴ □ پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی (علمی - پژوهشی)، سال دوم، شماره ۱ (پی‌درپی ۵)، پاییز ۱۳۹۰

(میرفخرایی، ۱۳۸۶: ۴۶)، نویسنده طوطی‌نامه توجه خاصی به استفاده از آیات و احادیث داشته به گونه‌ای که در اثرش بیش از چهل بار بدانها استناد کرده است. بیش‌تر این استنادها به آیات قرآنی است و فقط شش بار به احادیث اشاره کرده است. از جهت کیفیت ارتباط معنوی آیات و احادیث با عبارات فارسی، دو شیوه در نثر طوطی‌نامه مشاهده می‌شود:

ب - ۵ - ۱): «آیات و احادیث گاهی به طوری به معنی کلام پیوستگی دارد که گویی خود قسمتی از نثر است و اگر آن‌ها را از میان کلام بردارند به کلی رابطه عبارت، گسیخته می‌شود» (ضیاء نخشی، ۱۳۷۲: ۴۷)؛ مانند:

«یک روز در خاطر گذشت که من در اقصای عالم، تجارت بسیار کردم سودای "مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ امثالِهَا" نیز بکنم» (همان: ۳۶۸).

«بر مقتضی "مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ" کار خورشید به غایت عالی شد و به حکم "وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا" کار آن سه کس به تباهی کشید» (همان: ۲۷۱).

ب - ۵ - ۲): «در بعضی از عبارات آیه و حدیث یا مثل از جمله سابق و لاحق مجزاست و فقط برای استشهاد و تکمیل یا تأکید معنی جمله قبل آمده است و اگر برداشته شود و به مفهوم کلام خللی وارد نمی‌سازد» (همان: ۴۸)؛ مانند:

«چون وقت فراغ آید درد درمان شود و زهر پازهر گردد. عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (همان: ۳۴۵).

«ندانست که خدنگ تقدیر به سبب هیچ حيله دفع نشود و ناوک قضا به جنبش هیچ تدبیر مرتفع نگردد. اِذَا جَاءَ الْقَضَاظِقُ الْفَضَاءُ» (همان: ۲۰۱).

ب - ۶) درج و تضمین اشعار و امثله:

«درج و تضمین امثله و اشعار نیز، از مختصاتی است که در مراحل کمال نثر فنی به موازات دیگر مختصات لفظی و معنوی، توجه نویسندگان را به خود جلب می‌کند»

تحلیل سبکی طوطی‌نامه ضیاء نخشی • دکتر حمیدرضا فرضی • صص ۱۵۵-۱۲۹ □ ۱۴۵

(خطیبی، ۱۳۷۵: ۲۰۹). اشعاری که در طوطی‌نامه به کار رفته است: بیش‌تر به فارسی و اکثراً از خود نویسنده است، اشعاری را که خود نویسنده سروده قطعه‌های دوبیتی هستند و با نام نویسنده آغاز می‌شوند؛ مانند:

«نخشی نیست بی جزا عملی چند باشی تو در رضای بدی
هر که بد می‌کند همی یابد هم به دنیای دون جزای بدی»
(ضیاء نخشی، ۱۳۷۲: ۱۷۴)

ضمناً یک قطعه در آخر همه حکایت‌های پنجاه‌و دو شب تکرار می‌شود؛ که مضمون آن رسیدن صبح است. نویسنده از اشعار فارسی‌گویندگان دیگر خیلی کم‌تر استفاده کرده که از لحاظ کمیت از یک مصراع یا یک بیت تجاوز نمی‌کند. در این کتاب حدود نُه مورد تک‌بیت و پنج مورد تک‌مصراع به کار رفته است. نویسنده با قید "مصراع" یا "شعر" قبل از استشهاد، آن را از متن جدا می‌کند؛ مانند: «گفت ای بلبل سخن سرا و ای صلصل خوش‌نوا؛ شعر:

«بس که چون چنگ از تنم رگ شد پدید از سر هر مو فغان برخاسته است»
روزها برآمد که دیده در ره مانده‌ام»
(همان: ۱۲۱).

بر خلاف نثرهای فنی، استشهاد به اشعار عربی کم‌تر است و تنها سی و پنج بیت عربی در این کتاب به کار رفته است و در هر مورد از یک بیت بیش‌تر نیست. از لحاظ ارتباط معنوی با عبارات منشور، اشعار طوطی‌نامه عمدتاً برای استشهاد و تکمیل یا تأیید معنی جمله قبل، آمده است و اگر حذف شود به مفهوم کلام خللی وارد نمی‌شود؛ مانند:

«اگر مرا خواهی فروخت باید که به دست کریمی فروشی نه لیئمی و در صحبت شریفی
افکنی نه خسیسی.

قطعه:

نخشی دور شو ز صحبت بد همره نیک فضل سرمد دان
گرچه بد در زمانه بسیار است صحبت زشت بدتر از بد دان»
(همان: ۸۶)

اما در مورد امثله؛ نویسنده هم از مَثَل‌های فارسی استفاده می‌کند و هم از مثل‌های عربی؛ با این توضیح که بسامد مثل‌های عربی در طوطی‌نامه بیش‌تر از فارسی است. امثال طوطی‌نامه از لحاظ ارتباط معنوی با متن، مثل اشعار آن، بیش‌تر برای استشهاد و تکمیل یا تأیید جمله قبل آمده است؛ نمونه:

«و لِلْأَرْضِ مِنْ كَأْسِ الْكِرَامِ نَصِيبٌ» (همان: ۶).

«كُلُّ إِنَاءٍ يَتْرَشُّحُ بِمَا فِيهِ» (همان: ۱۱۹).

«انگور از انگور رنگ گیرد» (همان: ۱۴۸).

«بالا تر از سیاهی رنگی نیست» (همان: ۴۰۲).

پ) مختصات ادبی - هنری

پ - ۱) ساده‌نویسی:

گرایش به ساده‌نویسی، مخصوصاً در قسمت‌های نقلی و خبری که از لحاظ فشردگی و کوتاهی جملات، یادآور نثر مرسل است از بارزترین ویژگی‌های سبک طوطی‌نامه است. در مقایسه با نثرهای فنی، که در آن‌ها قطعات فنی و وصفی بر قسمت‌های نقلی و خبری برتری دارد در طوطی‌نامه قسمت‌های نقلی و خبری بر قطعات فنی و وصفی غلبه دارد به گونه‌ای که معانی انشایی و وصفی و عاطفی در آن معمولاً کوتاه‌تر بیان می‌شود و قسمت عمده حکایت‌های این کتاب نقلی و خبری است.

با این‌که عمده توجه نویسنده به نقل حکایت و اخبار به زبان نسبتاً ساده است اما در هر جا که به معانی وصفی و عاطفی پرداخته است می‌توان لطف تخیل و مضمون‌سازی او

را مشاهده کرد؛ او با ایجاد تناسبات لفظی، مبالغه و اغراق شاعرانه، ابداع تشبیهات تازه و بیان یک مضمون با عبارات مختلف، قدرت مضمون‌سازی خودش را نشان می‌دهد.

پ - ۲) صور خیال:

نویسنده طوطی‌نامه مانند نویسندگان نثر فنی برای آرایش کلام و هنرنمایی از صور خیال نیز در کنار سایر محسنات ادبی و بدیعی بهره جسته است و تلاش او در این مورد - مخصوصاً در حوزه تشبیه - به نوآوری‌ها و نواندیشی‌هایی منجر شده است که در ادامه این موارد را جداگانه بررسی می‌کنیم:

پ - ۲ - ۱) تشبیه:

هم‌چنان که گفتیم نویسنده در تشبیه، نوآوری‌هایی دارد؛ او از میان انواع تشبیه، گرایش بسیاری به "تشبیه بلیغ" با ساختار اضافی دارد با این‌که، در همه قسمت‌های طوطی‌نامه کمابیش از تشبیه استفاده شده، اما مطلع و مقطع حکایت‌ها - به‌خصوص مطلع آن‌ها - که درباره طلوع و غروب خورشید و ماه و وصف مشرق و مغرب است، لطف و جذابیت بیش‌تری دارد و نویسنده، داستان هر شب را که طوطی بیان می‌کند با توصیف غروب خورشید در مغرب و طلوع ماه در مشرق آغاز می‌کند که در دو جمله بیان می‌شود و در هر جمله دو ترکیب "اضافه تشبیهی" برای وصف غروب خورشید در مغرب و طلوع ماه در مشرق به کار می‌رود. نکته جالب توجه در بیش‌تر این تشبیهات، تناسب آن‌ها با عنوان حکایت‌هاست. در جدول زیر تشبیهات این عوامل چهارگانه را که در رسیدن شام‌گاه بیان می‌شود نشان می‌دهیم:

در این جدول چهار عنصر توصیفی خورشید، مغرب، ماه و مشرق در سراسر طوطی‌نامه بررسی شده‌اند. در این جدول عناصر ذکر شده (خورشید، مغرب، ماه، مشرق) مشبه و سایر موارد، بسته به شبی که داستان از زبان طوطی تعریف می‌شود، مشبه‌به واقع شده‌اند. تأمل در تنوع مشبه‌به‌ها از منظر ظرفیت‌های بلاغی نثر ضیاء نخشی خالی از لطف نیست.

شب	خورشید	مغرب	ماه	مشرق
	(مشبه)	(مشبه)	(مشبه)	(مشبه)
اوّل	-	-	-	-
دوم	سکندر جهان‌گیر	ظلمات	شاه سیاه‌نشانه	ملک
سوم	زر خالص	بوته	نقره ناب	کان
چهارم	سمن زرد	گل‌ابی	گل صدبرگ	گلبن
پنجم	طوطی زرین‌بال	قفس	باز سیمین‌بال	برج
ششم	سیاح	منزل	مسافر	مرحله
هفتم	یوسف	چاه	یونس	شکم حوت
هشتم	ناظر یک‌دیده	دیوان	برید سریع‌السير	دفترخانه
نهم	سلطان نیم‌روز	ملک	کوتوال شبگرد	گشت
دهم	طاس نیبید جوشان	خم	نیم‌جام جهان‌نما	مجلس
یازدهم	عاشق دریا	خلوتخانه	معشوق انجم	جلوه‌گاه
دوازدهم	دُرالمعانی روز	دُرچک	گوهر شب چراغ	کان
سیزدهم	بربط زرّین	غلاف	دف سیمین	چنبر
چهاردهم	همای همایون	آشیانه	طایر میمون	نشیمن
پانزدهم	غزاله زرّین	غار	آهوی سریع‌السير	دشت
شانزدهم	سپر زرّین	زرادخانه	ناجیح سیمین	سلاح‌خانه
هفدهم	تیغ زرّین	نیام	سپر سیمین	غلاف
هیجدهم	خسرو شنگرف کلاه	شادروان	شاه سیمایی	تخت
نوزدهم	طاووس جلوه‌گر	کوه	بط خوش خرام	گرداب
بیستم	زاهد روشن ضمیر	خلوت‌خانه	راهب شکسته‌دل	کلیسا
بیست‌ویکم	شیر غران	پیشه	آهوی مشکین	بیابان
بیست‌ودوم	سلطان جهانگیر	کشور	خسرو سیارات	سمت
بیست‌وسوم	نهنگ دریا آشام	چشمه	ماهی درم‌ریز	گرداب
بیست‌وچهارم	سجنگل زرّین	غلاف	آینه سیمین	آینه‌دان
بیست‌وپنجم	عروس حجله‌چهارم	خوابگاه	شاه کشور اوّل	سریر
بیست‌وششم	صفدع زرهیکل	آبگیر	ماهی	دام
بیست‌وهفتم	سنج زرّین	طبله	حریر سپید	کارگاه

سقایه	شرابه سیمین	آبگیر	سبوی زرین	بیست‌وهشتم
غار	سیاه‌گوش	بیشه	شیر اسد خانه	بیست‌ونهم
قماط	معیل با اطفال کثیر	غار	پلنگ گرم مزاج	سی‌ام
طور بی فتور	موسی	رود نیل	فرعون	سی‌ویکم
چین	شاه ختن	زنگبار	عروس رومی	سی‌ودوم
مناره بلند	نمرود	آتشکده	خلیل	سی‌وسوم
سمت	کوکبه شاه سیاه‌علم	مُلک	خسرو زردقبا	سی‌وچهارم
مصر	جادو	چاه	هاروت	سی‌وپنجم
گشت	کوتوال سیمین ناچخ	تخت	بازرگان مشرقی	سی‌وششم
سیرگاه	پیل سپید جلاجل	غار	اژدر زرین کفچه	سی‌وهفتم
منبر	خطیب عباسی شعار	احتساب	محتسب روشن ضمیر	سی‌ونهم
شادروان	شاه زنگبار شب	ایوان	ملکه رومی روز	چهل‌م
زاویه	صوفی خانقاه اول	خلوتخانه	چهل‌دار صومعه چهارم	چهل‌ویکم
قربان	کمان سپیدتوز	قرباب	تیغ زرین	چهل‌ودوم
سوراخ	افعی عقرب خانه	غار	اژدر زرین کفچه	چهل‌وسوم
ادهم	غاشیه مرصع	شب‌دیز	زین زرین	چهل‌وچهارم
حمام	مزین	محجمه	آینه زرین	چهل‌وپنجم
خوان زمردین	نان کافوری	تنور گرم	قرص مزعفر	چهل‌وششم
درجک	گوهر لعمانی	حقه	مهره زرین	چهل‌وهفتم
دکان	غلام چینی	نخاس	جاریه رومی	چهل‌وهشتم
ایوان	جوان نوباوه	گنبد	پیر لرزان	چهل‌ونهم
تعویذ نقره عروس	خاتون	زرین	حمایل	پنجاهم
خانه	ترک پاک‌چشم	چادر	خاتون پاکدامن	پنجاه‌ویکم
هوا	باز سیمین	آشپان	مرغ آسمان	پنجاه‌ودوم

پ - ۲ - ۲) استعاره و کنایه:

نویسنده کتاب در قیاس با تشبیه، از استعاره و کنایه کم‌تر استفاده کرده است، اما در مواردی نوآوری و نواندیشی در استعاره‌ها و کنایات معدود او "تشخیص" هستند؛ مانند:

«سرو پای در گل ماند. گل جامه بدرید. غنچه تنگدل شد. سبزه جامه در نیل زد. بنفشه لباس کبود کرد. سمن را رخساره زرد شد. لاله روی خون آلوده گشت» (همان: ۱۴).

«آب منجمد (شیشه)، آتش محلول (شراب) را در دل جای داده بود» (همان: ۲۱).

مثال برای کنایه:

«خواست تا در زمان در وثاق معشوق رود و آب نادیده موزه بیرون کشد» (همان: ۱۴۳).

«چون تخت سلطنت او به تخته تابوت بدل شد» (همان: ۱۶۲).

پ - ۳) توصیف:

وصف به گونه‌ای که خبر، تحت الشعاع آن قرار بگیرد از ویژگی‌های نثرهای فنی است، شمیسا در این مورد می‌نویسد: «شیوه خاص نویسندگان نثر فنی (جز در ترسل و نامه‌های درباری) بر اصل رجحان وصف بر خبر است به این معنی که خبر را تقریباً به اختصار (البته نه به ایجاز) بیان می‌کنند تا به وصف برسند و سپس وصف را مفصلاً شرح می‌دهند. به مناسبت این وصف (که غالباً موزون و مسجع است) چند بیت شعر فارسی و عربی و احیاناً ضرب‌المثل هم نقل می‌کنند. از این رو نویسنده نثر فنی به دنبال فرصت یا بهانه‌ای است که بتواند وصف کند» (شمیسا، ۱۳۸۰: ۷۷) و صف‌های طوطی‌نامه بر خلاف توضیحات فوق، نه بر خبر رجحان دارند و نه طولانی هستند و نه بین اجزاء کلام گسستگی ایجاد می‌کنند، بلکه ساده و کوتاه و پیوسته به اجزاء کلام هستند و از این لحاظ یادآور وصف‌های کلیله و دمنه هستند (رک. خطیبی، ۱۳۷۵: ۴۷۵) و صف‌های طوطی‌نامه از لحاظ سادگی به گونه‌ای هستند که در آنها از عبارت پردازی‌ها، اطناب، اغراق و ترکیبات و تعبیرات دور از ذهن خبری نیست و همواره روشنی و رسایی کلام مد نظر نویسنده آن است و از لحاظ کوتاهی به گونه‌ای هستند که در طولانی‌ترین توصیفات از سه و به ندرت از چهار سطر فراتر نمی‌روند؛ البته این نمونه‌ها سه چهار مورد بیش تر نیستند. اکثر وصف‌ها در طوطی‌نامه از دو قرینه تشکیل یافته‌اند و از لحاظ پیوستگی به اجزاء کلام، بدون ایجاد گسستگی در

نظام عبارات، به قبل و بعد عبارات، پیوسته هستند. این توصیفات که اکثراً از دو قرینه بیش‌تر نیستند، در موضوعات مختلف هستند از قبیل، وصف اشخاص (رک. همان: ۲۸، ۴۷، ۵۴، ۹۶، ۱۲۷، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۷۶، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۳۲، ۲۴۰، ۳۱۵، ۳۲۹، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۷۲ و ۴۱۶)؛ که در این موارد علاوه بر توصیف ظاهر اشخاص، با توجه به این‌که هر کدام شغلی دارند اکثراً به توصیف هنر و مهارت آن‌ها پرداخته شده؛ وصف طبیعت و عناصر آن (رک. همان: ۳۹، ۱۱۵، ۱۷۲، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۹۲، ۳۱۴ و ۳۷۴)؛ وصف حیوانات (رک. همان: ۴۶، ۸۷، ۲۲۵ و ۳۷۲)؛ وصف مکان‌ها (رک. همان: ۲۱، ۲۲۴ و ۲۳۳)؛ وصف دینار (رک. همان: ۱۰)؛ امّا برجسته‌ترین و مهم‌ترین توصیفات این کتاب، وصف غروب خورشید در مغرب و طلوع ماه در مشرق است که در آغاز هر داستان می‌آید و توصیف طلوع خورشید و نیز رسیدن صبح و رفتن شب که در متن داستان‌ها و پایان آن‌ها بیان می‌شود. این توصیفات از دو قرینه فراتر نمی‌روند و در ساختار آن‌ها تشبیه - به‌خصوص اضافه تشبیهی - نقش مهمی دارد؛ نمونه‌هایی از توصیفات:

توصیف غروب خورشید و طلوع ماه: «چون بربط زرین آفتاب در غلاف مغرب نهادند و دفّ سیمین ماه از چنبر مشرق بیرون کشیدند» (همان: ۱۲۱).

توصیف درخت: «درختی بود چون چتر شاهان مدوّر و چون خطّ جوانان معنبر، بیخ او به شاخ گاو تری رسیده و شاخش بر درخت طوبی دویده» (همان: ۳۱۴).

توصیف زمستان: «بعد چند روز زمستان در رسید و هنگام زمهریر عالم‌گیر شد، باغ را بی‌برگ پیش آمد. راغ راگل خزان بشکفت. از غایت سردی، آسمان چون زبان سردگویان یخ می‌بارید و از نهایت سرما و خنکی، جهان چون طبع خنک طبعان برف می‌پاشید. از سردی جهان، آتش در دیوار می‌خزید و از خنکی کیهان سمندر میان آتش می‌لرزید» (همان: ۳۹).

پ - ۵) تغزل و نسیب و تشبیب:

«نثرنویسان این دوره، از مضامین غزلی و نسیب و تشبیب نیز تقلید کرده و در مواردی که مضمون کلام اقتضای آن را داشت، قطعاتی شعرگونه نوشته و در رشته عبارت جای داده‌اند که بعضی از آن را می‌توان هم در اسلوب بیان و هم در مضمون کلام با نمونه‌های مشابه خود در شعر مقایسه نمود» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۲۶۵). نویسنده طوطی‌نامه از معانی و مضامین غزلی نیز بهره گرفته است که همانند توصیفات او ساده، کوتاه و پیوسته به اجزای کلام هستند؛ مانند:

«زنی خورشید نام داشت. گفتی که شعاع رخسار او آفتاب را ذره گفتی و نور عذار او ماه را سها خواندی. با آن همه جمال بی‌غایت و دلالت بی‌نهایت، در عفت نشانه دهر بود و در عصمت فسانه عصر» (ضیاء نخشبی، ۱۳۷۲: ۲۶۶).

«این بازرگان زنی داشت شهرآرای نام، در غایت جمال و نهایت دلالت. لطافت او چون مال بازرگان بی‌عد و ملاحظت او چون جهالت شوی بی‌حد» (همان: ۳۲۱).

چنان‌که ملاحظه می‌شود نویسنده در این تغزل‌ها، با قرینه‌سازی و با استفاده از مبالغه شاعرانه، تشبیه، سجع، جناس و ازدواج، مضمون‌سازی کرده است.

پ - ۶) استعمال اصطلاحات و مضامین علمی:

«نثرنویسان قرن هفتم و به تقلید از آنان نویسندگان ادوار بعد، به شیوه اشعار متکلف سبک عراقی، معانی و اصطلاحات علمی را به‌خصوص در طب و نجوم و صرف و نحو و اساطیر، به کار گرفته و آن را در قالب مضامین شعری نهاده و به کار می‌برده‌اند» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۵۳۷). نویسنده طوطی‌نامه در نگارش این کتاب از اصطلاحات و مضامین علمی از قبیل طب، نجوم، موسیقی و دین در مضمون‌سازی و تخیل و آراستگی کلام بهره گرفته است. بیش‌ترین مضامین علمی در اثر او مربوط به مسائل دینی است که رنگ و بوی عرفانی دارد، بعد از آن، مسائل طبّی بیش‌تر مورد استفاده قرار گرفته و بعد موسیقی است

تحلیل سبکی طوطی‌نامه ضیاء نخشی • دکتر حمیدرضا فرضی • صص ۱۵۵-۱۲۹ □ ۱۵۳

که چهاربار به اصطلاحات آن اشاره شده - به خصوص این که داستان شب چهاردهم کلاً درباره علم موسیقی و کیفیت مزامیر و اختراع و استخراج آن است که نویسنده اطلاعات جالبی در این خصوص درباره موسیقی بیان کرده است - نهایتاً به علم نجوم نیز فقط یک بار اشاره کرده است؛ مثال‌هایی از این مورد:

مسائل طبی: «من جانوریم طیب پیشه و لیب اندیشه، در علم ابدان عالم و در حکمت یونان نشانه، اصطلاح نبض و دلیل، نیکو دانم و تقدمة‌المعرفه امراض را به صواب کنم و مزاج استحالت یافته را به اعتدال برم و ماده فاسدگشته را به اصلاح آرم و حرقات تب برسام و سرسام را به شربتی از اشر به خود فرو نشانم و از چهار طبع و پنج حس، شانزده نوع سوء المزاج به نظری از نظرهای خود دفع کنم و در اجساد بدیع حیوانی آثار طبایع مفرده و ارکان مزدوجه و جواهر تسعه و طبقات عشریه مشاهده کرده من است...» (ضیاء نخشی، ۱۳۷۲: ۴۹-۵۰).

موسیقی: «سماعی در دادند. غنا و قانون و چنگ و ارغنون بر ساز شد. طنبور و چغانه و کمانچه و شبابه در کار آمد، بریط و رباب و سنج خطایی بساختند و عجب رود و ملک نای عراق بنواختند. خورشید دف خود گرم کرد، ناهید کمانچه خود بکشید» (همان: ۱۲۵). چنان که ملاحظه می‌شود در این قطعات فنی، بدون اطلاع از این علوم، فهم کلام ممکن نیست و نویسنده هدفی جز هنرنمایی و به رخ کشیدن علم خود ندارد.

نتیجه

۱. از لحاظ سبک و نوع نثر می‌توان گفت که طوطی‌نامه نثری بینابین دارد. در این کتاب قسمت‌های نقلی و خبری با جملات کوتاه و فشرده و به زبان ساده مانند نثر مرسل نوشته شده و هدف نویسنده فقط بیان معنا است، اما استفاده از آیات و احادیث و اشعار و امثله فارسی و عربی، معانی و اصطلاحات علمی، تغزل و تشبیب و توصیف و سبک نوشته

او را به نثرهای فنی معتدل، نه مصنوع، نزدیک می‌کند.

۲. از لحاظ مختصات جمل؛ قسمت‌های نقلی و خبری آن با جملات کوتاه و ساده بیان شده و قطعات فنی آن که زیاد هم نیست در مقایسه با متون فنی دیگر کوتاه‌تر است. بین مبتدا و خبر فاصله افتاده، جمله‌های مترادف، زیاد به کار رفته، گاهی عطف‌های پی در پی جملات به همدیگر دیده می‌شود. روابط و افعال مشترک یا حذف می‌شوند یا مترادف آن‌ها به کار می‌رود. ضمناً برخی از جملات قصار این کتاب می‌تواند به عنوان مثل و حکمت به کار رود.

۳. از لحاظ مختصات لفظی؛ در گزینش الفاظ و ترکیبات، تناسب لفظی و معنوی، مورد نظر نویسنده بوده اما لغات عربی که به کار برده غیر از مواردی اندک دور از فهم و نامأنوس نیستند. اطناب در طوطی‌نامه معتدل است و ممل نیست. نویسنده به تناسب الفاظ توجه دارد و از صنایع و محسنات بدیعی برای آرایش کلام بهره گرفته است؛ آیات و احادیث و اشعار و امثله فارسی و عربی را نیز به کار برده است.

۴. از لحاظ مختصات ادبی - هنری؛ گرایش به ساده‌نویسی از بارزترین ویژگی‌های سبکی طوطی‌نامه است اما در جاهایی که به معانی وصفی و عاطفی پرداخته می‌توان لطف تخیل و مضمون‌سازی او را مشاهده کرد. او از تشبیه، استعاره و کنایه در بافت کلامش استفاده کرده و نوآوری‌هایی در این زمینه دارد مخصوصاً تشبیهات او در مطلع حکایت‌ها در وصف غروب خورشید در مغرب و طلوع ماه در مشرق بسیار جالب و جذاب است. توصیفات طوطی‌نامه عمدتاً کوتاه و ساده و پیوسته به اجزای کلام هستند و نهایتاً این که از معانی و اصطلاحات علمی مانند طب، نجوم، موسیقی و... نیز استفاده کرده است.

با جمع‌بندی موارد بالا نثر طوطی‌نامه را می‌توان نثری هنری اما در عین حال ساده و به دور از تکلفات بارد دانست. این الگوی نثرنویسی بی‌گمان از لحاظ شکل، تالی کتاب‌هایی نظیر؛ کلیله و دمنه و از لحاظ ایجاد رابطه با مخاطب، تابع شیوه‌های پیام‌رسانی کتاب‌های نثر عرفانی و حکایات تمثیلی ساده ادب صوفیه است.

منابع

۱. بهار، محمدتقی. (۱۳۷۰). سبک‌شناسی. ج ۳. ج ۶. تهران: امیرکبیر.
۲. خطیبی، حسین. (۱۳۷۵). فنّ نثر در ادب فارسی. ج ۲. تهران: زوّار.
۳. رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). انواع نثر فارسی. تهران: سمت.
۴. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۵). از گذشته ادبی ایران. ج ۳. تهران: سخن.
۵. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۲). کلیات سبک‌شناسی. تهران: فردوس.
۶. _____ . (۱۳۷۴). سبک‌شناسی شعر. تهران: فردوس.
۷. _____ . (۱۳۸۰). سبک‌شناسی نثر. ج ۵. تهران: میترا.
۸. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۶۶). تاریخ ادبیات در ایران. ج ۳ بخش ۲. ج ۴. تهران: فردوس.
۹. ضیاء نخشی. (۱۳۷۲). طوطی‌نامه. به اهتمام فتح‌الله مجتنبایی و غلامعلی آریا. تهران: منوچهری.
۱۰. غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۷). سبک‌شناسی شعر پارسی. تهران: جامی.
۱۱. فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). درباره ادبیات و نقد ادبی. ج ۲. ج ۴. تهران: امیرکبیر.
۱۲. میرفخرایی، حسین. (۱۳۸۶). نقد نثر فارسی در دوره مغول. تهران: ثالث.